

تحلیل فرآیند تحول ارزش‌های اجتماعی در نهج‌البلاغه با رویکرد جامعه‌شناختی

* سید حمید حسینی
** سید محمدعلی ایازی

چکیده

فرآیند تحول ارزش‌های اجتماعی به جهت مدیریت تغییرهای اجتماعی همواره مورد توجه جامعه‌شناسان و رهبران جوامع بشری بوده است. جامعه‌شناسان بر این باورند که با پژوهش در فرآیند دگرگونی ارزش‌های اجتماعی جوامع، می‌توان روند و چگونگی نسخ آن در گذشته و جایگزینی ارزش‌های اجتماعی جدید و چگونگی تغایر و تضاد آنها را بررسی کرد. طرح ارزش‌های اجتماعی از محوری‌ترین موضوع‌های نهج‌البلاغه است که امام علی علیه السلام در بیان آن به چگونگی، زمینه‌ها، عوامل شکل‌گیری و علل شیوع و تحول آن، به ویژه در جامعه اسلامی، توجه می‌کند. مراحل فرآیند دگرگونی ارزش‌های اجتماعی در نهج‌البلاغه، عبارت است از: پیدایش، فراگیری، تثبیت و جایگزینی. همچنین دلایل عمده تحول از نگاه نهج‌البلاغه را می‌توان دین و شریعت، نظارت و مراقبت اجتماعی، حاکمان و فرمانروایان و هواهای نفسانی معرفی کرد.

واژگان کلیدی

ارزش‌های اجتماعی، تحول ارزش‌ها، فرآیند ارزش‌ها.

*. مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. hoseini10@yahoo.com
**. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات info@ayazi.net
تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۱۷ تاریخ تأیید: ۸۹/۷/۲۸

طرح مسئله

انسان براساس خلقت و طبیعت، موجودی اجتماعی است و نیازهای اجتماعی، زندگی او را به سوی زندگی جمعی می‌کشاند. زندگی اجتماعی هم مستلزم کنش‌ها، واکنش‌ها و روابط است، که بر پایه تمایز ارزش‌ها و ضدارزش‌ها شکل می‌گیرد. ارزش‌ها، عقاید و باورهای ریشه‌داری‌اند که یک فرد، یک گروه یا یک جامعه درباره رفتار، اعمال و تفکرها دارد؛ به گونه‌ای که اعمال پسندیده را از ناپسند جدا می‌سازد و داوری درباره خوب و بد را میسر می‌نماید.

انسان موجودی انتخاب‌گر است و همواره به آنچه از نظر خودش ارزش بیشتری دارد، گرایش دارد. در واکاوی آموزه‌های انبیای الهی، این موضوع در قالب اهتمام به احیا، توسعه و درونی‌سازی ارزش‌های الهی و انسانی و تلاش برای محو ضدارزش‌ها مشاهده‌پذیر است. اولیای دین همواره سعی کرده‌اند با تفسیر و تبیین ارزش‌ها، بذر آن را در درون جان انسان شکوفا سازند.

امام علی علیه السلام که نسخه بی‌بدیل آفرینش و دارای جایگاه بی‌مانندی است و سیلاب علوم از کوهسار وجودش جاری است و یقین بی‌انتهایی دارد، و علم‌الکتاب نزد اوست، چنان به تفسیر ارزش‌ها می‌پردازد و نظام ارزشی را به گونه‌ای تبیین می‌نماید و از عوامل تغییر ارزش‌ها سخن می‌گوید که هر دانایی در برابرش نادان می‌نماید.

اگرچه تعریف ساده‌ای از ارزش مثل اینکه «ارزش عبارت است از آنچه که برای انسان اهمیت دارد»، می‌تواند معرف آن باشد، با این حال چون به تأمل در زوایای ریز چیستی ارزش می‌پردازیم، با انبوهی از مسائل تازه روبه‌رو می‌شویم که نشان‌دهنده پیچیدگی این مفهوم به ظاهر ساده است. از دیدگاه امام علیه السلام ارزش‌های اجتماعی جامعه‌ای که نظام ارزشی منطقی و مستحکم نداشته باشد، دچار تحول، نسخ و گاه واژگونگی می‌شود و ضدارزش‌ها به حاکمیت می‌رسند، مثلاً حضرت درباره تحول و نسخ یکی از ارزش‌های اجتماعی زمان خود، می‌فرماید:

إِنَّمَا قَدْ أَصْبَحْنَا فِي دَهْرٍ عَنُودٍ وَ زَمَنٍ كُنُودٍ يَعْدُ فِيهِ الْمَحْسَنُ مُسِيئًا.

(سیدرضی، ۱۳۷۴: خ ۳۲)

ای مردم، ما در روزگاری واقع شده‌ایم که نیکو کارش بدکردار شمرده می‌شود.

چنین قضاوت ارزشی نادرستی به خاطر تحول در ارزش‌های اجتماعی یا نسخ آنها است. با بررسی بیشتر درمی‌یابیم که فرآیند ارزش‌های اجتماعی و تحول آنها در نهج‌البلاغه، مراحل قابل شناسایی و تفکیک‌پذیر دارد.

جامعه‌شناسان تا کنون به صورت غیر منسجم و ضمن موضوع‌های دیگر، به موضوع «دگرگونی ارزش‌های اجتماعی» توجه کرده و مسائل مهمی را در خصوص مطلوبیت، خاستگاه، تحول و نسخ ارزش‌های اجتماعی و عوامل مؤثر در آنها، مطرح کرده‌اند، لکن پژوهش حاضر با بررسی و تحقیق در نهج‌البلاغه و شروح و تفاسیر موجود، با رویکرد جامعه‌شناختی و مطالعه کتب و متون جامعه‌شناسی در پی تبیین دیدگاه امام علیه السلام در خصوص فرآیند ارزش‌های اجتماعی و عوامل مؤثر بر دگرگونی آنهاست.

موضوع تغییر «ارزش‌های اجتماعی» در طول تاریخ، اذهان اندیشمندان بسیاری را به خود معطوف داشته است؛ البته جامعه‌شناسان به موضوع ارزش‌های اجتماعی توجه نکرده‌اند و فقط برخی از آنها ذیل موضوع‌های مرتبط، به این مهم پرداخته و تعداد کمی نیز به‌گونه‌ای محدود آن را مستقلاً مورد بحث قرار داده‌اند. برای مثال «آدام اسمیت» در حوزه مسائل اقتصادی، به طور گسترده‌ای از نقش ارزش‌ها و تغییر آنها سخن گفته است. «رودلف هرمان لوتزه»، «آلبرت ریچل»، «نیچه» و ... نیز در آن تأمل کرده‌اند و در قرن نوزدهم رویکرد افرادی چون «شلر»، «ارنفلز»، «هارتمن»، «هوسرل» و «برنتانو» به این موضوع، به شکل گرفتن موضوع پژوهشی تازه‌ای با عنوان «ارزش‌شناسی» انجامید.

ژان ون دیت و الینور اسکار بروگ نیز که در مباحث مربوط به دولت تخصص داشت، در دانشگاه اسکس^۱ ضمن ارائه پژوهش‌های قابل توجه، توانست در طراحی موضوع‌های مربوط به «چیستی ارزش»، نقش مؤثری در تبیین چگونگی تغییر ارزش‌ها ایفا نماید. این دو محقق با همکاری چند نفر از استادان فن، کتابی با عنوان *تأثیرات ناشی از ارزش* را منتشر کرده‌اند که در حوزه خود منحصر به فرد است. این اثر توسط انتشارات دانشگاه اکسفورد در سال ۱۹۹۵ به چاپ رسیده است.

1. Essex.

در حوزه‌های مرتبط با ارزش‌های اجتماعی و پژوهش‌های انجام شده در این گستره می‌توان به آثار ذیل اشاره نمود:

- چستی ارزش، ژان ون دت و الینور اسکار بروگ، ترجمه اصغر افتخاری؛

- مبانی جامعه‌شناسی، آنتونی گیدنز، ترجمه منوچهر صبوری؛

- ده پرسش، جوئل شارون؛

- جامعه‌شناسی، پارسونز؛

- مبانی جامعه‌شناسی، بروس کوئن؛

- فرهنگ علوم اجتماعی، آلن بیرو؛

- Sociology، درس‌لر؛

- چهار مقاله درباره آزادی، آیزایا برلین، ترجمه موحد؛

- کنترل فرهنگ، برمن؛

- درآمدی بر جامعه، رابرتسون؛

- نظریه‌های اجتماعی مدرن، کرایب یان؛

- تغییر ارزش‌ها در جوامع بشری، اینگلهارت؛

- و ...

در داخل کشور نیز پژوهش‌هایی در حوزه دین، در ارتباط با مسئله تغییر ارزش‌های

اجتماعی سامان گرفته است از جمله:

- آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور؛

- ارزش‌های اجتماعی، معصومه آقایی؛

- ارزش اجتماعی، احمد نیکزاد؛

- معیار ارزش‌های اجتماعی از نگاه امام علی علیه السلام، ابوالقاسم یعقوبی؛

- احیای ارزش‌های اسلامی، حسین عبدالحمیدی؛

- حکومت علی علیه السلام؛ انقلاب ارزش‌ها، سبحان عصمتی؛

- ارزش‌شناسی، مختار نائیجی؛

- فرهنگ آفتاب، معادخواه؛

- رویکرد دینی در نهاجم فرهنگی، اصغر افتخاری و علی‌اکبر کمالی؛

- پژوهشی در ارزش‌های اجتماعی، محمد حسین رضایی اردستانی؛

- ارزش‌های اسلامی در مدیریت، آیت‌الله مصباح یزدی؛

- علل نادیده گرفتن ارزش‌ها، شمس‌الله مریجی؛

- عوامل تغییرات اجتماعی در نهج‌البلاغه، سید ضیاء هاشمی؛

- درآمدی بر مبانی ارزش‌ها، سید احمد رهنمایی؛

- و...

الف) کلیات

۱. پرسش‌های تحقیق

۱. در رویکرد جامعه‌شناختی به نهج‌البلاغه از دیدگاه امام علی علیه السلام، فرآیند ارزش‌های اجتماعی

چه مراحل دارد؟

۲. عوامل مؤثر و مداخله‌گر در تحول ارزش‌های اجتماعی و تحول آنها در نهج‌البلاغه کدام

است؟

۳. فرآیند ارزش‌های اجتماعی و تحول آنها در نهج‌البلاغه، چه قواعدی دارد؟

۲. فرضیه‌های تحقیق

۱. در رویکرد جامعه‌شناختی، فرآیند ارزش‌های اجتماعی در نهج‌البلاغه مراحل مختلفی دارد،

از جمله: ظهور، فراگیری، جای‌گیری و تحول.

۲. مهم‌ترین عوامل مؤثر و مداخله‌گر در تحول ارزش‌های اجتماعی در نهج‌البلاغه

عبارت‌اند از: اصرار و افراط در حفظ ارزش‌های پیشین، ضعف یا نبود نظارت اجتماعی، الگوها، هوس‌ها و امیال انسان‌ها.

۳. قواعد موجود در فرآیند ارزش‌های اجتماعی و تحول آنها در نهج‌البلاغه (با رویکرد جامعه‌شناختی) عبارت‌اند از:

یک. ناگزیری جوامع از داشتن ارزش‌های اجتماعی؛

دو. تأثیر زمامداران جوامع در فرآیند ارزش‌های اجتماعی و تحول آنها؛

سه. تأثیر ارزش‌های اجتماعی پیشین جوامع بر آهنگ تغییرات آنها؛

چهار. ارتباط تحول ارزش‌های اجتماعی با الگوهای جوامع؛

پنج. تأثیرگذاری و اثرپذیری ارزش‌های اجتماعی از یکدیگر؛

شش. محوریت برخی از ارزش‌های اجتماعی در مقایسه با ارزش‌های دیگر.

۳. روش کار

روش کار در پژوهش حاضر این است که ابتدا نهج‌البلاغه با رویکرد جامعه‌شناختی مطالعه و بازخوانی می‌شود و با مراجعه به تفاسیر و شروح آن، نظرها و دیدگاه‌های جامعه‌شناختی امام علیه السلام از نهج‌البلاغه استخراج می‌گردد، و در مرحله سوم ساختار نظام قواعد و فرمول‌های موجود در نظرهای امام مشخص می‌شود و در نهایت با استخراج فرمول‌ها و یافته‌های پژوهش موضوع در نهج‌البلاغه، متون جامعه‌شناختی مرتبط با موضوع ارزش‌های اجتماعی مطالعه و پژوهش می‌شود.

۴. مفهوم‌شناسی ارزش

ارزش عبارت است از:

بار معنایی خاص که انسان به برخی اعمال و پاره‌ای حالت‌ها و بعضی پدیده‌ها نسبت می‌دهد و برای آن در زندگی خود جایگاه و اهمیت ویژه‌ای قائل است.
(جمشیدی، ۱۳۶۸: ۳۹۱)

در ادبیات فارسی، واژه‌هایی مانند: بهاء، قیمت، قدر، برازندگی، شایستگی، زیندگی، قابلیت اعتبار یک سند و ... ناظر به موضوع «ارزش» است و در زبان عربی نیز تقریباً همین مفاهیم موردنظر است. در واقع «مطلوبیت» اصلی‌ترین عنصری است که در واژه‌های مرتبط با مفهوم ارزش، وجود دارد.

مراد از ارزش، هر موضوعی است که مورد نیاز، نگرش یا آرزویی باشد. در علوم اجتماعی، در مواردی به کار می‌رود که یک ارتباط علمی متقابل بین نیازها، نگرش‌ها و آرزوها، و بین موضوع‌ها برقرار باشد؛ لذا از نظر مشاهده‌گر علمی، هدف‌هایی که به نیازها، نگرش‌ها و آرزوهای مردم مربوط می‌شود، در صورتی ارزش شمرده می‌شود که به ارتباط مشاهده‌پذیر بین اندیشه‌ها و کنش‌های این مردم و موضوع‌های مورد مشاهده برگرداند شود.

حیات آدمی بدون ملاحظه ارزش‌های زندگی، تقریباً نامفهوم است. در واقع ارزش از بنیادی‌ترین عوامل در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال فرد و نیز شکل گرفتن حیات اجتماعی است. همین ارزش‌ها معیارهایی دارند که به فرهنگ کلی و جامعه معنا می‌دهد. (بنگرید به: نیک‌گهر، ۱۳۶۹) ارزش‌ها شامل صفاتی‌اند که آدمی وجود آنها را در عرصه اخلاقی، فکری، خانوادگی و شغلی آرزو می‌کند و مایل به داشتن و به دنبال تحقق آنهاست.

اصولاً انسان‌ها همواره ایده‌هایی درباره آنچه خوب یا بد، مناسب یا غیر مناسب و ضروری یا غیر ضروری است، داشته‌اند. به این‌گونه ایده‌ها، ارزش گفته می‌شود و هنگامی که این ارزش‌ها در نظامی از معیارها و ملاک‌ها، برای ارزیابی ارزش اخلاقی و شایستگی رفتار، سازمان‌دهی می‌شوند، یک نظام ارزشی را پدید می‌آورند. (ترنر، ۱۳۷۸: ۸۰)

برخی هم ارزش‌ها را به مثابه نظام نمادهایی دانسته‌اند که در قالب ایده‌های انتزاعی - اخلاقی مربوط به خوب و بد، مناسب و نامناسب، درست و نادرست سازماندهی شده‌اند. (همان: ۴۱۸) ارزش‌ها به دلیل عام و انتزاعی بودن، وضعیت‌های گوناگون را فرا می‌گیرند، بدین معنا، ارزش‌ها «آن قدر کلی‌اند که قابلیت به کارگیری در موقعیت‌های بسیار متفاوتی را دارند». (همان: ۸۰)

به طور کلی می‌توان گفت: ارزش، شامل کلیه باورها و ترجیح‌های یک فرد یا گروهی از افراد یا بیشتر افراد جامعه است.

۵. اهمیت ارزش‌ها

اندیشه آدمی، امور و واقعیت‌ها را تعبیر و تفسیر می‌کند و بدان‌ها معنا می‌دهد. بدون شک هر تفسیر و تعبیری، ارزیابی و ارزش‌گذاری را به همراه دارد. ما به‌گونه‌ای فطری از بعضی امور بیزاریم و آنها را بد می‌دانیم، برخی واقعیت‌ها را خوش و خوب ارزیابی می‌کنیم و پدیده‌های دیگر را نه خوب و نه بد می‌دانیم.

هرگاه واژه‌هایی مانند بهتر، بهترین، خوب، بد، باید و نباید را به کار می‌بریم، وارد جهان پیچیده ارزش‌ها می‌شویم. ارزش‌ها تصاویری از خوبی‌ها و بدی‌ها را منعکس می‌کنند و به عبارت دیگر، معیارهایی‌اند که افراد کارها را با آنها مقایسه و بعد قضاوت می‌کنند؛ ارزش‌ها برای انسان‌ها تعیین می‌کنند که چه هدف‌هایی را باید جستجو کنند؛ چه چیزهایی لازم و چه چیزهایی ممنوع است؛ چه چیزهایی شرافتمندانه و چه چیزهایی شرم‌آور است و در نهایت چه رفتاری زیبا و چه اعمالی زشت است.

از مسائل مهم موجود در ارزش‌ها، «نظام ارزش‌ها» است. از دیدگاه امام علیه السلام جامعه‌ای که نظام ارزشی منطقی و مستحکم ندارد، ارزش‌های اجتماعی در آن دچار تحول، نسخ و گاه واژگونی می‌شوند و ضدارزش‌ها در آن جامعه حاکم می‌گردند.

کیفیت و کمیت بعضی از بوها، نورها، مزه‌ها، صداها، رنگ‌ها و تماس‌ها می‌تواند ما را بیازارد یا احساس خوشایندی را در ما برانگیزد. این موضوع در واقع ارزش‌گذاری در محدوده فطرت، غریزه و وراثت است.

نکته تأمل‌پذیر این است که ارزیابی امور توسط انسان‌ها، تنها در محدوده فطرت، غریزه و وراثت باقی نمی‌ماند و با قوانینی مانند شرطی‌سازی و شرطی‌زدایی به بسیاری از امور زندگی گسترش می‌یابد.

به‌نظر نگارنده، ارزش‌ها دو نوع‌اند؛ «ارزش‌های هدف» و «ارزش‌های وسیله». بسیاری از مردم تفاوت این دو نوع را به خوبی نمی‌دانند. چه بسا اشخاص و جوامع چنان در جستجوی وسیله گرفتار می‌شوند که هدف و ارزش‌های نهایی را فراموش می‌کنند، مثلاً پول وسیله‌ای برای آسایش است؛ اما بعضی از مردم «آسایش» خود را فدای «وسيله آسایش»

می‌کنند. گاهی افرادی از روی جهل، فراموشی یا حرص و طمع (که ریشه همه جهل است)، ارزش‌های انتقالی و واسطه‌ای را حقیقی و هدف می‌پندارند. این جابه‌جایی ارزشی منشأ بسیاری از انحراف‌ها می‌شود و پیامدهای ویرانگری را در ابعاد فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد.

هر جامعه‌ای ارزش‌های مخصوص و مشخصی برای خود دارد. آنچه در یک جامعه پذیرفتنی و ممدوح است، ممکن است در جامعه دیگر مذموم و مطرود باشد. آنچه در یک اجتماع اهمیت دارد، شاید از نگاه اعضای جامعه دیگر، بی‌اهمیت باشد.

هر مکتب یا دستگاه فکری براساس بینشی که نسبت به پدیده‌های جهان دارد، یک نظام ارزشی نسبت به اعمال و رفتار انسان دارد و این پایه تفاوت بین مکاتب است.

اهمیت ارزش‌ها در زندگی از این جهت است که عامل حرکت‌آفرین و ایجاد انگیزه در کار و تلاش و تعیین‌کننده مسیر زندگی انسان‌ها و مرزهای اخلاقی در زندگی‌اند. علاوه بر آن، ارزش‌های مورد قبول یک انسان، معرف سطح و نوع معرفت و معیاری برای قضاوت در باره او می‌باشند. در عین حال نوع باورها، اعتقادات، مقدسات و شخصیت آدمی را هم نشان می‌دهند.

۶. مفهوم ارزش‌های اجتماعی

به نظر نگارنده ارزش‌ها را به اعتبار گستره فراگیری، می‌توان به فردی، گروهی و اجتماعی تقسیم کرد.

«ارزش‌های فردی» برای تعداد اندکی از افراد جامعه مقبولیت و مطلوبیت دارند و گستره آنها به خود افراد محدود می‌شود.

«ارزش‌های گروهی» در برخی از گروه‌های اجتماعی، مقبولیت و مطلوبیت دارند و گستره‌شان به اعضای همان گروه‌ها محدود می‌شود.

«ارزش‌های اجتماعی» برای بیشتر مردم مقبولیت و مطلوبیت دارند و بزرگ‌ترین گستره را در سطح جامعه دارند.

در اصطلاح جامعه‌شناسی ارزش اجتماعی^۱ یکی از موضوع‌های مهم مطرح شده در جامعه‌شناسی است و جامعه‌شناسان نظریه‌های گوناگونی درباره آن عنوان کرده‌اند. چون بیشتر افراد جامعه به ارزش‌های اجتماعی معتقدند؛ لذا می‌توان آنها را مفهوم‌سازی کرد؛ یعنی مفاهیم مربوط به ارزش‌های اجتماعی را می‌توان از موضوع‌های^۲ گوناگون ارزیابی شده، انتزاع کرد. (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۲۷۱)

از دیدگاه جامعه‌شناسی، ارزش‌های اجتماعی مربوط به یک جامعه خاص بوده و به عنوان آرمان در جامعه مطرح‌اند و ممکن است همان ارزش‌ها در جامعه یا زمان دیگر مورد پذیرش نباشند. ارزش‌های اجتماعی در ارتباط با ویژگی‌های حیات اجتماعی جوامع مختلف، نسبی‌اند. پدیده‌ای ممکن است در جامعه‌ای ارزش و در جامعه دیگر ضدارزش باشد، حتی ارزش‌های یک جامعه ممکن است از یک قشر به قشر دیگر متفاوت یا متضاد باشند.

ارزش‌ها احساس‌های ریشه‌دار و عمیقی‌اند که اعضای جامعه در آن شریک‌اند. این ارزش‌ها اعمال و رفتار جامعه را تعیین می‌کنند. هر جامعه‌ای برای زندگی خانوادگی، حفظ موازین دینی، رعایت حقوق والدین و حفظ ادب و احترام به بزرگ‌ترها، ارزش بسیاری قائل است؛ گرچه از این ارزش‌ها تعبیر و تفسیرهای متفاوتی می‌شود و به صورت گسترده و عمیقی در هر جامعه‌ای رواج دارند. (کوئن، ۱۳۷۴: ۶۱)

ارزش‌های اجتماعی که جامعه به آن اعتنا می‌ورزد، گرایش‌های اجتماعی را ایجاد می‌کنند که تمایل‌هایی کلی‌اند که در فرد به وجود می‌آیند و ادراک، عواطف و افعال او را در جهت‌های معینی به جریان می‌اندازند. ارزش‌های اجتماعی شامل همه چیزهایی است که مورد علاقه انسان است و در جامعه قدر و منزلت دارد و نیازهای مادی و معنوی انسان را برآورده می‌سازد؛ حتی اگر آن ارزش‌ها به خودی خود مطلوب یا نامطلوب دانسته شود. (وثوقی، ۱۳۷۰: ۱۸۸)

ارزش‌های اجتماعی ممکن است بر اصول و پدیده‌هایی متکی باشند که مصالح و مفاسد اجتماعی را در بردارند. به همین جهت، قابل تبیین‌اند و می‌توان علل پیدایی آنها را با تحقیق

1. Social Value.
2. Objects.

و استدلال توجیه کرد و نشان داد که چگونه پاره‌ای از ارزش‌های اجتماعی جدید با ارزش‌های قدیمی مغایرند و تضاد دارند و با توجیه علل این تضادها و شناخت مسائل ناشی از آنها، زمینه اجتماعی مساعدی برای پذیرش ارزش‌های جدید به وجود آورند.

ارزش‌های اجتماعی به الگوهای کلی رفتار، احکام جمعی و هنجارهای کرداری مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه اطلاق می‌شوند. (بابایی، ۱۳۷۲: ۲۶۵)

ارزش‌های اجتماعی شامل همه چیزهای مطلوب یا نامطلوب است که انسان به آنها علاقه دارد. هر امری مادی یا معنوی که در جامعه قدر و قیمت داشته باشد و نیازهای مادی و معنوی انسان را برآورده کند، یا هر چیز گران‌بها و سودمندی، از ارزش‌های اجتماعی است. ارزش در جامعه‌شناسی به معنای خوب یا بد، شایسته و ناشایست و مطلوب و نامطلوب، نزد یک فرد یا گروه تعریف شده است. (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۶۲)

به اعتقاد برخی، ارزش‌های اجتماعی شامل دو بعد مادی و معنوی فرهنگ می‌شوند، ارزش‌های اجتماعی؛ یعنی اندیشه‌ها، هنجارها و اشیای مادی که متعاقب با اعمال متقابل اجتماعی، عقاید، و ارزش‌های روانی مساعدی پیرامون آنها جمع می‌شوند و به تجربه‌های مثبت متکی‌اند. (محسنی، ۱۳۷۴: ۲۱۷)

ارزش‌های اجتماعی را از نظر منشأ و ریشه به طور کلی به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: یک. ارزش‌ها با منشأ وحی و فطرت (ارزش‌های الهی): در همه ادیان آسمانی، دستورها و الگوهای رفتاری افراد و پیروان آنها به طور دقیق مشخص شده است.

در جوامعی که به دین اعتقاد دارند، یا از فطرت انسانی منحرف نشده‌اند، آموزه‌های دین و فطرت، منشأ بسیاری از ارزش‌های اجتماعی است و در چنین جوامعی، اعتبار این ارزش‌ها را به پذیرش یا ردّ عموم مردم وابسته نمی‌دانند؛ بلکه آنها را در هر حال معتبر می‌شناسند.

دو. ارزش‌ها با منشأ مادی (ارزش‌های مادی): در این نوع ارزش‌ها، چون منشأ مادی دارند، جنبه خدایی و الهی قضیه مطرح نیست و منشأ ارزش‌ها وحی نمی‌باشد؛ بلکه در طول زمان و به تدریج و عمدتاً بر اساس نیازهای جامعه شکل می‌گیرند.

این نوع ارزش‌ها، به تناسب نیازها و شرایط اجتماعی، دچار تغییر هستند. به قول «کنت»

و «دور کهایم» این جامعه است که تعیین کننده ارزش‌ها شمرده می‌شود و فرد الگوی رفتاری خود را از جامعه می‌گیرد و خداوند نقشی در تعیین الگوهای رفتاری ندارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۷: ۲۲۴)

۷. ویژگی‌های ارزش‌های اجتماعی (دیدگاه صاحب‌نظران)

یک. ارزش‌ها نسبت به زمان و مکان متغیر و به عبارتی نسبی‌اند، لذا در زبان جامعه‌شناسی، ارزش‌های مطلق و جهان‌شمول نداریم. (روشه، ۱۳۶۷: ۷۶)

دو. تمامی ارزش‌های اجتماعی یک‌دست و هماهنگ نیستند؛ بلکه تعارض‌هایی میان آنها هست که بار عاطفی ارزش‌ها، همزیستی آنها را کنار یکدیگر مقدور می‌سازد. (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۳۷۱)

سه. ارزش‌های اجتماعی خصوصیت سلسله‌مراتبی دارند (همان: ۸۵ - ۸۱) یعنی تمام ارزش‌های اجتماعی در یک درجه از ارزش و احترام قرار ندارند؛ بلکه بعضی از آنها اصلی^۱ و دارای احترام و اهمیت فوق‌العاده‌ای‌اند.

چهار. معتقدان ارزش‌های اجتماعی، آنها را مطلق می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که ارزش‌های خود را همواره بهترین می‌دانند. (مندراس و گورویچ، ۱۳۶۹: ۱۶۲) این ویژگی ناشی از خصوصیت قوم‌مداری^۲ مردم جوامع مختلف نسبت به جامعه خود است.

از جمع‌بندی نظرهایی که درباره ویژگی‌های ارزش‌های اجتماعی اظهار شده است، به نتایج زیر می‌رسیم:

یک. میان مردم، مشترک و وفاق اجتماعی در مورد آنها هست.

دو. به قضاوت شخصی افراد بستگی ندارند.

سه. با عواطف اجتماعی همراه‌اند.

چهار. درجه ارزشی متفاوتی دارند.

1. Core – Value.
2. Ethnocentrism.

۸. منشأ ارزش‌های اجتماعی

منشأ ارزش‌های اجتماعی در جوامع مختلف بسیار متنوع و متفاوت است؛ اما به طور کلی می‌توان گفت: از آنجا که جایگاه عقل در انسان‌ها، صدور احکام عقلانی است، به طور طبیعی، منشأ برخی ارزش‌ها، عقل و خرد می‌باشد. به عبارتی، ارزش‌ها محصول اندیشهٔ انسانی است؛ اگرچه گاهی از ارزش‌ها به عنوان «ره‌آورد زندگی جمعی انسان‌ها» و در حقیقت همان چیزی است که به عنوان قراردادهای اجتماعی یاد می‌شود.

ارزش‌ها در بعضی جوامع احیاناً از مکاتب دست‌ساختهٔ بشری ناشی شده‌اند. در جوامعی که پایبندی به دین هست، ارزش‌ها از وحی و معارف الهی سرچشمه می‌گیرند و خداوند ارزش‌گذار است. برخی ارزش‌ها در فطرت و شالودهٔ آفرینشی انسان‌ها ریشه دارند و البته در برخی جوامع هم تخیل‌ها، خرافات، جهل و اوهام، خاستگاه ارزش‌ها هستند.

شرایط اقلیمی و جغرافیایی نیز در شکل گرفتن ارزش‌های جامعه نقش دارند و کنش متقابل مردم در یک اقلیم با یکدیگر و با اقالیم دیگر نیز ارزش‌زایی را به دنبال دارد. به نظر می‌رسد از میان عوامل مختلف، به ترتیب، عقاید و نیازها تأثیر بیشتری در شکل‌گیری ارزش‌ها دارند. ارزش‌ها معمولاً از درون عقاید زاده می‌شوند و در شرایط مناسب، رشد می‌کنند و تحکیم می‌یابند.

عقاید، مبنای آن‌دنیایی یا این‌دنیایی دارند. تحقیق ماکس وبر در مورد تأثیر مذهب پروتستان در پرورش ارزش‌هایی که موجب ظهور و رشد سرمایه‌داری شدند، مؤید این مطلب است.

نیازها نیز در شکل گرفتن ارزش‌ها مؤثراند؛ اگرچه خودشان نیز می‌توانند متأثر از ارزش‌ها باشند. ریشهٔ نیاز در احساس کمبود، نهفته است و احساس کمبود، موجب فشار و رفع آن نیز، موجب رضایت می‌شود؛ از این‌رو هر عاملی که موجب رفع نیاز شود، با ارزش شمرده می‌شود. (جواهری، ۱۳۷۲: ۱۳)

برخی دانشمندان مانند مازلو^۱ معتقدند که مفهوم ارزش هم‌وزن مفهوم نیاز است. نیازها و

1. A. H. maslow.

ارزش‌ها در ابتدا جنبهٔ زیستی و فردی داشتند بعد، همزمان با رشد فرد، به ارزش‌های اجتماعی تبدیل می‌شوند.

لازم به توضیح است اگرچه ممکن است در برخی دیدگاه‌ها به نظر برسد که «نیاز» منشأ ارزش فردی است؛ اما بدیهی است که از ضمیمه شدن نیازهای مشترک افراد، نیازهای جمعی شکل می‌گیرد که می‌تواند منشأ ارزش‌های فردی باشد.

پس «نیاز» پایه ارزش‌های فردی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد. به دنبال «نیاز»، «توجه» و «گرایش» شکل می‌گیرد. افراد جامعه اموری را «باارزش» می‌دانند که به‌گونه‌ای با نیاز آنها ارتباط دارد و می‌تواند به نیاز آنها پاسخ دهد.

نظام ارزش‌های عینی مردم اگرچه مقوله‌ای بسیار پیچیده است؛ ولی ریشه در احتیاج اعضای جامعه دارد. اشخاص، ارزشمندی چیزی را که به آن احتیاج دارند، بیش از دیگران، ابراز می‌کنند. (امام جمعه، ۱۳۸۲: ۱۰)

ب) تحول و تغییر

پیش از ورود به بحث، لازم است واکاوای مختصری در مفاهیم تحول و تغییر اجتماعی و کاربرد و تفاوت آنها ارائه شود.

تغییر، یعنی دگرگون کردن، چیزی را به شکل و حالت دیگر در آوردن.
(عمید، بی تا)

در فرهنگ لغات «وبستر» چنین تعریف شده است:

To cause to alter or to medify, to cause to be different.

حاصل یک اصلاح و تبدیل یا یک وضعیت متفاوت.

۱. نسبت تحول و تغییر ارزش‌های اجتماعی

ضروری است که ابتدا رابطه و نسبت تحول و تغییر ارزش‌های اجتماعی روشن شود. برخی جامعه‌شناسان معتقدند:

تحول اجتماعی، مجموعه‌ای از تغییراتی است که در طول یک دوره طولانی، طی یک و یا شاید چند نسل در یک جامعه رخ می‌دهد. در حقیقت مجموعه فرایندهایی است که در یک مدت زمان کوتاه نمی‌توان آن را ملاحظه کرد، بلکه به مثابه منظره واحدی متشکل از توده‌ای از جزئیات است که جز از ارتفاع زیاد قابل رؤیت نیست؛ اما تغییر اجتماعی بر عکس، عبارت است از پدیده‌های قابل رؤیت و بررسی در مدت زمانی کوتاه، به صورتی که هر شخص معمولی نیز در طول زندگی خود یا در طول دوره کوتاهی از زندگی می‌تواند یک تغییر را تعقیب نماید، نتیجه قطعی‌اش را ببیند و یا نتیجه موقتی آن را دریابد. علاوه بر این، تغییر اجتماعی در محدوده یک محیط جغرافیایی و اجتماعی معینی صورت می‌پذیرد و لذا می‌توان آن را در یک چهارچوب محدود جغرافیایی و یا کادر اجتماعی - فرهنگی خیلی محدودتری مورد مطالعه قرار داد. (وثوقی، ۱۳۷۰: ۲۶)

تحول به سلسله‌ای از تغییرهای کیفی تدریجی و مرتب و با ارتباط منطقی گفته می‌شود. (محمد خلیفه، ۱۳۷۸: ۴۲، به نقل از: هرلاک ای بی).

«تغییر» در مفهوم خاص می‌تواند دگرگونی ارزش‌های اجتماعی را هم شامل شود. از آنجا که پویایی و تحول از ویژگی‌های اصلی نظام‌های اجتماعی است، تقریباً هیچ جامعه‌ای و هیچ نظام اجتماعی را نمی‌توان یافت که تغییر و تحول در آن وجود نداشته باشد و اگر چنین جامعه‌ای موجود باشد، جامعه زنده و پویا نخواهد بود؛ بنابراین لازمه هر جامعه و نظام اجتماعی، تغییر و تحول‌پذیری آن است، لذا این تغییر شامل ارزش‌های اجتماعی جامعه نیز می‌شود.

نکته شایسته توجه در خصوص تغییر ارزش‌های اجتماعی جامعه این است که جهت تغییر ارزش‌های اجتماعی ممکن است مثبت باشد؛ یعنی روز به روز افراد جامعه بیشتر به ارزش‌های الهی، انسانی و هنجارهای اخلاقی پایبند شوند و امکان دارد جهت‌گیری این تغییر منفی و پشت پا زدن به اصول و ارزش‌های الهی، انسانی و هنجارهای اخلاقی باشد؛ از این رو، نسبت و رابطه این دو، عام و خاص است؛ به این معنا که هر تحوّل تغییر است؛ اما هر تغییری نمی‌تواند تحوّل باشد.

۲. عوامل تغییر ارزش‌های اجتماعی

ارزش‌ها امور ذاتی و ثابت نیستند، ارزش اجتماعی در زمان تغییر می‌کند، اهمیت و اعتبار آن کم می‌شود و جای خود را به ارزش دیگری می‌دهد یا بر عکس اهمیت بیشتری کسب می‌کند. (وثوقی، ۱۳۷۰: ۱۸۹)

برخی معتقدند که ارزش‌های اجتماعی با اینکه مطلق و ابدی نیستند؛ ولی تغییر دادن آنها خارج از اختیار و دسترس اشخاص است. این جامعه است که با دستیابی به هدف‌های دور و نزدیک خود، نظام رتبه‌بندی ارزش‌های اجتماعی را در بلند مدت تغییر می‌دهد و استانداردهای جدیدی برای الگوهای رفتاری و فکری در جامعه وضع می‌کند. (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۲۹۴)

به اعتقاد برخی جامعه‌شناسان، تغییر ارزش‌ها اغلب تحول در سلسله‌مراتب ارزش‌هاست؛ تا ایجاد یک ارزش نوین. سلسله‌مراتب ارزش‌ها تغییر می‌کند، ارزش‌های مسلط ضعیف می‌شوند و ارزش‌های متحول جای آنها را می‌گیرند. (روشه، ۱۳۶۷: ۸۵) گرچه نباید فراموش کرد که:

از نظر اندیشمندان فلسفه اسلامی، ارزش‌ها یک سلسله اصول کلی، ثابت و مطلق‌اند که تحت هیچ شرایطی تغییر نمی‌کنند، اما مصداق آنها تغییرپذیر است. از این منظر، ملاک کلی ارزش اخلاقی، مصلحت عمومی فرد و جامعه و مصلحت واقعی انسان است؛ یعنی هر چیزی که موجب کمال واقعی انسان است، نه چیزی که دلخواه افراد و مورد خوشایند آنهاست. البته اگر ملاک اصلی ارزش در اسلام، کمال نهایی است، مصداق آن قرب الهی است. در نظام اسلامی، هدف کسب رضای خداست. در این نظام، ارزش‌ها نه کاملاً مطلق و ثابت‌اند که در هیچ شرایط زمانی و مکانی تغییر نکنند و نه اینکه همیشه تابع شرایط زمانی و مکانی باشد، بلکه اصول آن ثابت و مصداق‌ها متغیرند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۲۳۰)

با بررسی و ژرف‌نگری در تغییرهای ارزش‌های اجتماعی جوامع، و با در نظر داشتن اینکه سرعت و نوع تغییر ارزش‌های اجتماعی هم متفاوت است، برخی از آنها سریع‌تر از

برخی دیگر تغییر می‌کنند؛ به عنوان مثال، ارزش‌های دینی از ارزش‌های اجتماعی بطئی‌التغییر است.

اینکه ما در میان نگرش‌های مذهبی، ساختار منسجم‌تری از نگرش‌های سیاسی می‌یابیم، به طور کلی تعجب‌آور نیست. برای بیشتر مردم فعالیت سیاسی از هر نوع، به‌ندرت و گه‌گاه است؛ لکن برای بخش وسیعی از مردم، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی در طفولیت آغاز گشته و حداقل به‌طور هفتگی ادامه می‌یابد. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۰۶)

دلایل عمده این تغییرها از نظر جامعه‌شناسی عبارت‌اند از:

یک. تغییر در شرایط و محیط زندگی: این نوع تغییر از عوامل مهم در تغییر ارزش‌های اجتماعی است:

شرایط غیر عادی ممکن است سبب شود که ارزش به‌طور ناگهانی مورد تأکید قرار گیرد و یا ارزشی دچار بی‌اعتنایی و فراموشی شود. چنین شرایطی می‌تواند ناشی از تغییر در محیط زندگی باشد که توجه ما را به ارزش خاص جلب می‌کند. (محسنیان راد، ۱۳۷۵: ۳۷)

دو. نخبگان و خواص: نخبگان به کسانی اطلاق می‌گردد که با توجه به نقشی که در جامعه به عهده دارند و کار و فعالیتی که انجام می‌دهند و خصوصیات منحصر به فرد و استعدادهایی که دارند، موقعیت‌های برتری نسبت به افراد متوسط جامعه دارند و با توجه به این خصوصیت‌های ویژه، نمادهای زنده‌ای از طرز تفکر، وجود و عمل‌اند و نسبت به برخی گروه‌ها یا کل افراد جامعه، قدرت جاذبه‌ای دارند؛ از این رو مورد تقلید قرار می‌گیرند و طرز تفکر و عملشان الگوی دیگران می‌گردد. (روشه، ۱۳۶۷: ۱۱۶ و ۱۲۷)

نخبگان و خواص در پیدایش پدیده‌های اجتماعی و نیز تغییر ارزش‌های اجتماعی، مثبت یا منفی، نقش تعیین‌کننده دارند، دانشمندان و نخبگان به عنوان ترویج‌کنندگان و احیاناً مؤسسان ارزش‌های اجتماعی، نقش ویژه‌ای دارند و افراد جامعه آنان را به عنوان الگوی عملی در رفتار فردی و اجتماعی می‌پذیرند.

سه. حاکمان و فرمانروایان: «ملوین و فلور» بر این باورند:

ارزش‌های اجتماعی، آن دسته از باورداشت‌هایی هستند که توسط غالب افراد جامعه مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. این‌گونه ارزش‌ها غالباً توسط گروهی خاص به عنوان کارگزاران و حاکمان اجتماعی و یا گروه‌های ذی نفوذ که در مجاری قانونگذاری نفوذ دارند، ترسیم و مورد اجرا گذاشته می‌شوند؛ چون دولت‌ها و کارگزاران حکومتی با خط‌مشی‌ها و اهداف کلی خود، در ایجاد و تغییر هنجارها و ارزش‌ها و گرایش‌ها و باورداشت‌ها نقش تأثیرگذاری داشته و دارند. (ملوین، فلور و ... ، ۱۳۷۰: ۲۴۳)

وقتی کارگزاران، برنامه‌ریزان و مدیران یک جامعه از ارزش‌هایی دم بزنند؛ اما اصولاً به فکر یافتن راه‌های اجرایی و کاربردی آنها نباشند، به تدریج آن ارزش‌ها ویژگی‌های ذیل را پیدا می‌کنند:

۱. کلی و ذهنی؛
۲. بی‌خاصیت؛
۳. ابهام و توجیه‌پذیری انتفاعی؛
۴. خروج ارزش‌ها از دستگاه اعتقادی مردم، و بی‌اعتباری ارزش‌ها؛
۵. ابزار اغفال و گمراهی فرهنگی و اجتماعی مردم. (امام جمعه، ۱۳۸۲: ۱۳)

۳. ارزش‌های اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام

در دیدگاه امام علی علیه السلام اموری ارزش‌های اجتماعی (مثبت) تلقی می‌شوند که منشأ آنها دین، عقل یا فطرت باشد یا دست‌کم در تعارض با آنها، نمود و آثار مثبتی در جامعه داشته باشد.

به نظر امام، ارزش‌های اجتماعی زمانی مفیدند که همه جنبه‌های فردی و اجتماعی انسان را در پرتو دیدگاه متعالی توحیدی مورد توجه قرار دهند و در عین حال با نگاه آخرت‌گرایانه و ژرف، برای تأمین سعادت معنوی و اخروی انسان‌ها، به دنیا و زندگی اجتماعی و ضرورت‌های آن توجه کامل داشته باشند و هم‌زمان روح و بدن، جسم و جان، ظاهر و باطن، دنیا و آخرت،

ماده و معنا و همه لایه‌ها، مراحل، لوازم و زمینه‌های رشد و تعالی انسان را، برای رسیدن به کمال مطلوب، در نظر بگیرند. (ذو علم، ۱۳۷۹: ۴۰)

تغییرهای اجتماعی قبل از اینکه پدیده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باشند، پدیده‌ای ارزشی‌اند؛ زیرا ارزش‌های سابق را از بین می‌برند و معیارهای ارزشی جدیدی جایگزین می‌سازند. انقلاب الهی پیامبر گرامی اسلام نمونه بارزی از یک نوآوری فرهنگی بود. رسول اکرم ﷺ با زحمت فراوان و تلاش‌های توان‌فرسا در طول سال‌های سخت و طولانی، با هدف نوآوری فرهنگی در جامعه جاهلی، ارزش‌های اجتماعی اسلامی را جایگزین ارزش‌های موجود در فرهنگ جامعه جاهلی کرد.

امام علی علیه السلام در توصیف ارزش‌های اجتماعی آن دوران می‌فرماید:

انَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا ﷺ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ، وَأَمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ، وَأَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ، وَفِي شَرِّ دَارٍ، مُنِيخُونَ بَيْنَ حِجَارَةٍ خُشْنٍ، وَحَيَاتٍ صُمٍّ، تَشْرَبُونَ الْكَدِيرَ، وَتَأْكُلُونَ الْجَشِيبَ، وَتَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ، وَتَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ، الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنُصُوبَةٌ، وَالْأَنْثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ. (شریف رضی، ۱۳۷۴: خ ۲۶)

خداوند، پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ را هشداردهنده جهانیان مبعوث فرمود، تا امین و پاسدار وحی الهی باشد، آنگاه که شما ملت عرب، بدترین دین را داشته، و در بدترین خانه زندگی می‌کردید، میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناک فاقد شنوایی، بسر می‌بردید، آب‌های آلوده می‌نوشیدید. و غذاهای ناگوار می‌خوردید، خون یکدیگر را به ناحق می‌ریختید، و پیوند خویشاوندی را می‌بریدید، بتها میان شما پرستش می‌شد، و مفسد و گناهان، شما را فرا گرفته بود.

امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه به برخی ارزش‌های اجتماعی منفی حاکم و رایج در جامعه اشاره می‌کند که دغدغه تغییر آنها را داشت و برای تغییر آنها در فرهنگ جامعه کوشش و صف‌ناپذیری کرد. برخی از این ارزش‌های منفی عبارت‌اند از:

۱. تفرقه و عداوت، ۲. تبعیض نژادی بین قبائل، ۳. تبعیض بین فرزند دختر و پسر، ۴. عصبیت کورکورانه، ۵. میگساری و قماربازی، ۶. رباخواری، ۷. فحشا، ۸. خشونت‌های

اخلاقی، ۹. ظلم و بی‌عدالتی، ۱۰. دوری از کرامت‌های انسانی.

جامعه‌ای که ارزش‌ها در آن واژگونه شده باشد، ضدارزش‌ها در آن حاکم می‌شوند. جای خوبی، بدی، زشتی و زیبایی، رحمت و شقاوت، مروت و نامردمی تغییر می‌یابد. امیرمؤمنان علیه السلام در توصیف جامعهٔ زمان خود فرمود:

إِيهَا النَّاسُ، إِنَّا قَدْ أَصْبَحْنَا فِي دَهْرٍ عُنُودٍ وَ زَمَنٍ كُنُودٍ بَعْدُ فِيهِ الْمُحْسِنُ مُسِيئًا، وَ يَزْدَادُ الظَّالِمُ فِيهِ عُنُودًا ... (شریف رضی، ۱۳۷۴: خ ۳۲)

مردم! ما در روزگاری کینه‌توز و زمانی پرکفران واقع شده‌ایم؛ زمان‌هایی که نیکوکار در آن بدکردار به‌شمار آید، و ستمگر در آن سرکشی افزایش.

امام علیه السلام در این بیان، به تغییر دو ارزش اجتماعی اشاره می‌کند؛ تغییر ارزش اجتماعی احسان و نیکوکاری به بدکاری؛ تغییر ارزش اجتماعی عدالت به ظلم و تعدی.

این دو ارزش اجتماعی از جمله ارزش‌هایی‌اند که قرآن کریم به شدت بر تحقق آنها در جامعه اصرار می‌ورزد و همگان را به بر پا داشتن آنها در جامعه فرمان می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ». (نحل / ۹۰)

امام علی علیه السلام در بارهٔ ارزش‌های اجتماعی، دیدگاه‌های متنوعی دارد، از جمله: یک. تأکید بر حفظ ارزش‌های اجتماعی: دیدگاه جامعه‌شناختی حضرت در مورد ارزش‌های صالحهٔ موجود در سنت‌های رایج و دایر در جامعه، حفظ و تقویت آنهاست و نباید چنین ارزش‌هایی با عنوان نوآوری تغییر یابد:

وَلَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَاجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ، وَ صَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ ... (شریف رضی، ۱۳۷۴: ن ۵۳)

ای مالک! آن آداب پسندیده‌ای که بزرگان این امت به آن عمل کردند، و ملت اسلام با آن پیوند خورده، و رعیت با آن اصلاح شدند را بر هم مزن.

دو. پرهیز از نوآوری‌های غیرعقلایی: اندیشهٔ جامعه‌شناسی امام این است که نوآوری نباید به حال ارزش‌های اجتماعی مثبت جامعه خدشه وارد سازد:

لَا تُحَدِّثَنَّ سُنَّةَ تَضُرُّ بَشِيَّةً مِنْ مَاضِي تِلْكَ السُّنَنِ. (همان)
و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدید نیاور.

سه. جایز بودن تنوع ارزش‌های اجتماعی مثبت: از نظر امام تنوع ارزش‌های اجتماعی تا زمانی که در تقابل با اصول ارزش‌های اجتماعی مثبت نباشد، کاملاً جایز است و هیچ کس نباید با نادانی و تعصب با آنها برخورد کند:

سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ قَوْلِ الرَّسُولِ ﷺ - غَيْرُوا الشَّيْبَ وَ لَا تَشْبَهُوا بِالْيَهُودِ - فَقَالَ ﷺ: إِنَّمَا قَالَ ﷺ ذَلِكَ وَ الدِّينُ قُلٌّ - فَأَمَّا الْآنَ وَ قَدْ اتَّسَعَ نَطَاقُهُ وَ ضَرَبَ بَجْرَانِهِ - فَأَمْرٌ وَ مَا اخْتَارَ. (همان: ح ۱۷)

(از رنگ کردن موها) از امام پرسیدند که رسول خدا ﷺ فرمود: موها را رنگ کنید، و خود را شبیه یهود نسازید؛ یعنی چه؟ فرمود: پیامبر ﷺ این سخن را در روزگاری فرمود که پیروان اسلام اندک بودند، اما امروز که اسلام گسترش یافته، و نظام اسلامی استوار شده است، هر کس آنچه را دوست دارد، انجام دهد.

چهار. پیشگیری از پدید آمدن ارزش‌های اجتماعی منفی: گاهی برخی رفتارهای اجتماعی مردم ممکن است زمینه بروز و رشد ارزش‌های اجتماعی (منفی) در آینده را فراهم کند؛ حتی اگر خود رفتار فی نفسه منفی ارزیابی نشود. امام ﷺ در چنین مواردی با آموزش مردم، ضمن آگاه ساختن آنان، نسبت به آن زمینه‌ها هشدار می‌داد و این شیوه‌ای علمی و عملی در هدایت و کنترل ارزش‌های اجتماعی است. نمونه آن، بیان امام درباره رفتار مردم انبار است:

وَ قَدْ لَقِيَهُ عِنْدَ مَسِيرِهِ إِلَى الشَّامِ دَهَاقِينَ الْأَنْبَارِ - فَتَرَجَّلُوا لَهُ وَ اشْتَدُّوا بَيْنَ يَدَيْهِ - فَقَالَ مَا هَذَا الَّذِي صَنَعْتُمُوهُ فَقَالُوا خُلِقْنَا مِنْ عِظْمٍ بِهِ أُمَّرَأَتَا - فَقَالَ وَ اللَّهُ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أُمَّرَأَتِكُمْ - وَ إِنَّكُمْ لَتَشَقُّونَ عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ - وَ تَشَقُّونَ بِهِ فِي آخِرَتِكُمْ ... (همان: ح ۳۷)

در سر راه صفین، دهقانان شهر انبار تا امام را دیدند، پیاده شدند و پیشاپیش حضرت می‌دویدند. پرسید: چرا چنین می‌کنید؟ گفتند: عادت است که پادشاهان خود را احترام می‌کردیم (ارزش اجتماعی)! فرمود: به خدا سوگند که

امیران شما از این کار سودی نبردند، و شما در دنیا با آن خود را به زحمت می‌افکنید، و در آخرت دچار رنج و زحمت می‌گردید.

پنج. انتقال ارزش‌های اجتماعی مثبت: امام درباره آن دسته از ارزش‌های اجتماعی مثبت و دائر بین نیاکان و بزرگان، بر آموزش و انتقال به نسل‌های بعد تأکید می‌کند:

لَيْتَأْسَ صَغِيرُكُمْ بِكَبِيرِكُمْ. (همان: خ ۱۶۵)

باید خردسالان شما از بزرگان شما پیروی کنند. (پیرو ارزش‌های آنان باشند).

شش. انتقاد از مسخ برخی ارزش‌های اجتماعی:

... آگاه باشید، همانا زبان پاره‌ای از وجود انسان است، اگر آمادگی نباشد، سخن نمی‌گوید، و هنگام آمادگی، گفتار او را مهلت نمی‌دهد، همانا ما امیران سخن می‌باشیم، درخت سخن در ما ریشه دوانده، و شاخه‌های آن بر ما سایه افکنده است. (همان: خ ۲۳۳)

هفت. علل سقوط جامعه انسانی

وَأَعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَكْثَمُ فِي زَمَانِ الْقَائِلُ فِيهِ بِالْحَقِّ قَلِيلٌ، وَاللِّسَانُ عَنِ الصِّدْقِ كَلِيلٌ، وَاللَّازِمُ لِلْحَقِّ ذَلِيلٌ. أَهْلُهُ مُعْتَكِفُونَ عَلَى الْعِصْبَانِ، مُصْطَلِحُونَ عَلَى الْإِدْهَانِ، فَتَاهُمْ عَارِمٌ وَشَائِبُهُمْ آئِمٌ، عَالِمُهُمْ مُنَافِقٌ، وَفَارِئُهُمْ مُمَازِقٌ، لَا يَعْظُمُ صَغِيرُهُمْ كَبِيرُهُمْ، وَلَا يَعُولُ غَنِيَّهُمْ فَقِيرُهُمْ. (همان)

خدا شما را رحمت کند، بدانید که همانا شما در روزگاری هستید که گوینده حق اندک، و زبان از راست‌گویی عاجز، و حق‌طلبان بی‌ارزش‌اند، مردم گرفتار گناه، و به سازشکاری هم‌داستان‌اند، جوانشان بداخلاق، و پیرانشان گناهکار، و عالمشان دو رو، و نزدیک‌شان سودجوی‌اند، نه خردسالانشان بزرگان را حرمت می‌نهند و نه توانگرانشان دست مستمندان را می‌گیرند.

به‌نظر نگارنده، به‌طور کلی ارزش‌های اجتماعی در نهج‌البلاغه، ارزش‌هایی‌اند که منشأ دینی، عقلی یا فطری دارند و دیدگاه امام علیه‌السلام درباره ارزش‌های اجتماعی، حول چند محور، مطرح شده است:

یک. حفظ و تقویت ارزش‌های اجتماعی صالح و رایج در جامعه؛
دو. پیشگیری از تأسیس ارزش اجتماعی که به ارزش‌های اجتماعی موجود خدشه وارد می‌کند؛

سه. جواز تنوع ارزش‌های اجتماعی در صورت تقابل نداشتن با اصول ارزش‌های اجتماعی؛
چهار. محو ضد ارزش‌های اجتماعی موجود در جامعه؛
پنج. آموزش و تربیت نسل نو با اصول ارزش‌های اجتماعی دائر بین بزرگان و نیاکان؛
شش. تأسیس ارزش‌های اجتماعی نو؛
هفت. عوامل فردی، جمعی و محیطی اثرگذار بر تحول ارزش‌های اجتماعی.

۴. عوامل تغییر ارزش‌های اجتماعی از دیدگاه امام

یک. دین: دین در بیان امیرمؤمنان علیه السلام نخستین و مهم‌ترین عامل اثرگذار در تغییر ارزش‌های اجتماعی جوامع است. امام در نهج‌البلاغه بر تحرک‌آفرینی و تحول‌زایی ارزشی دین تأکید می‌کند؛ آنجا که اوضاع و ارزش‌های اجتماعی در جامعه را توصیف می‌کند:

فَالْأَحْوَالُ مُضْطَرِبَةٌ، وَالْأَيْدِي مُخْتَلِفَةٌ، وَالْكَثْرَةُ مُتَفَرِّقَةٌ، فِي بَلَاءٍ أَزَلٍ وَأَطْبَاقٍ جَهْلٍ!
مِنْ بَنَاتٍ مَوْوَدَّةٍ وَأَصْنَامٍ مَعْبُودَةٍ، وَأَرْحَامٍ مَقْطُوعَةٍ، وَغَارَاتٍ مَشْنُونَةٍ. (همان:
خ ۱۹۲)

حالت‌هایشان مضطرب و دست‌هایشان به خلاف هم در کار و جمعیت‌هایشان در بلایی سخت و جهالتی استوار پراکنده بود. در زنده به گور کردن دختران و پرستیدن بتان و قطع پیوند ارحام و غارت یکدیگر دست و پا می‌زدند.

کارکردی که در ادامه این عبارت، به قدرت ارزش‌آفرینی و تغییر ارزشی دین نسبت داده شده، شایسته توجه است:

فَانظُرُوا إِلَى مَوَاقِعِ نِعَمِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا، فَعَقَدَ بِلَّتِيهِ طَاعَتَهُمْ،
وَ جَمَعَ عَلَى دَعْوَتِهِ الْفِتْنَةَ، كَيْفَ نَشَرَتِ النِّعْمَةَ عَلَيْهِمْ جَنَاحَ كَرَامَتِهَا، وَأَسْأَلْتُ لَهُمْ
جَدَاوِلَ نَعِيمِهَا. (همان)

پس بنگرید که نعمت‌های خداوند چگونه بر آنان (امت‌های پیشین که به توصیف امام تفرق و ضعف و زبونی داشتند) فرو ریخت، هنگامی که پیامبری بر ایشان برانگیخت، پس آنان را به اطاعت خداوند درآورد و با خواندن به سوی خدا، آنان را مؤتلف ساخت، چه‌سان بال‌های نعمت و کرامتش را بر سر آنان گسترانید و جویبارهای آسایش و فراوانی برایشان جاری شد!

آن حضرت در دو جا از نهج‌البلاغه در باره کارکرد دین می‌فرماید:

أَمَا دِينَ يُجْمَعُكُمْ ... (همان: خ ۳۹)

راستی شما چه مردمی هستید؟ آیا دینی نیست که متحدتان سازد؟

یعنی این از کارکردهای دین در عرصه تغییر ارزش‌هاست که با ارزش‌گذاری اجتماعی می‌تواند ارزش‌های جاری در جامعه را که نتیجه‌اش تفرقه امت است، به‌گونه‌ای تغییر دهد که ثمره‌اش اتحاد دل‌ها و همگرایی اجتماعی باشد.

وقتی حضرت در جامعه خود، که مرکب از جمعیت مسلمان است، با ضعف و سستی در عمل روبه‌رو می‌شود، بر می‌آشوبد و دیانت آنها را به خاطرشان می‌آورد و از اینکه به‌رغم دین‌داری، متفرق و متزلزل شده‌اند، اظهار شگفتی می‌نماید. توقع امام علیه السلام از یک جامعه دینی این است که از نظر اجتماعی دارای پیوندهای مستحکم باشند و با هدفمندی و راه‌شناسی، در موضع‌گیری‌های اجتماعی، از تردید، ضعف و دو دلی به دور باشند و این نتیجه، چیزی جز ترویج و تشریح دین و پیاده شدن احکام و قوانین دینی نیست.

دین حق می‌تواند با کارکردش باورهای انحرافی را از صحنه جامعه و میدان ارزش‌ها به بیرون براند و ارکان گمراهی و جهالت را که اساس ارزش‌های منفی و نامناسب است، منهدم کند:

أَدَّلَ الْأَدْيَانَ بَعْرَةً وَ وَضَعَ الْمِلَلَ بَرْفَعَةً، وَ أَهَانَ أَعْدَاءَهُ بِكَرَامَتِهِ، وَ خَذَلَ مُحَادِّيَهُ بِنَصْرِهِ، وَ هَدَمَ أَرْكَانَ الضَّلَالَةِ بِرُكْنِهِ ... (همان: خ ۱۹۸)

اسلام با عزتش، دیگر دین‌ها (تحریف‌شده یا بشرساخته) را خوار و با سربلندیش، دیگر ملت‌ها را پست و بی‌مقدار و با ارجمندی‌اش، دشمنان را

بی‌اعتبار و با یاری کردنش، مخالفان خود را واگذارد و با استواری پایه‌اش اساس گمراهی را ویران کرد.

دو رهبران و حاکمان: رهبری و حاکمیت از ارکان اصلی هر جامعه مدنی است که در تحول‌های اجتماعی و دگرگونی‌های ارزشی آن نقش اساسی دارد. اقتدار و اختیار، حاکمان و رهبران را قادر می‌سازد که به خاطر انقیاد و تبعیت عمومی تأثیرهای گسترده‌ای بر ارزش‌های اجتماعی جامعه بگذارند.

حاکم یا رهبر علاوه بر نقشی که از موضع رسمی و قانونی دارد و بر بخش‌های حکومتی جامعه (و به واسطه آنها بر کل جامعه) اثر می‌گذارد، مستقیماً نیز توده مردم و اعضای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و جهت ارزش‌های اجتماعی آنان را هدایت و تعیین می‌کند، از این رو قدرت و اقتدار سیاسی حکام در مباحث مربوط به تغییر ارزش‌های اجتماعی، مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

در نهج‌البلاغه، مطالب فراوانی درباره نقش رهبر و قدرت سیاسی در جریان‌های اجتماعی و ارزش‌های جامعه بیان شده است. امام علیه السلام با تأکید بر اهمیت و ضرورت وجود حاکم در جامعه، کارکردها و تأثیرهای اجتماعی آنها را بیان می‌کند. حاکمان و رهبران جوامع در نگاه نهج‌البلاغه به دلیل موقعیت و نقش ویژه‌ای که دارند، علاوه بر اینکه الگویی برای ارزش‌های مردم می‌شوند، خود می‌توانند احیاگر یا میراننده ارزش‌های جامعه باشند:

فَاعْلَمُ أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ، هُدًى وَ هَدًى، فَأَقَامَ سُنَّةَ مَعْلُومَةٍ، وَ
أَمَاتَ بَدْعَةً مَجْهُولَةً، وَ إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَائِرٌ ضَلَّ وَ ضَلَّ بِهِ، فَأَمَاتَ سُنَّةً
مَأْخُودَةً، وَ أَحْيَا بَدْعَةً مَثْرُوكَةً. (همان: خ ۱۶۴)

بدان که فاضل‌ترین بندگان خدا امامی است دادگر، هدایت‌شده و راهبر که سنتی را که شناخته است، به پا دارد و بدعتی را که ناشناخته است، بمیراند ... و بدترین مردم نزد خدا امامی است ستمگر، خود گمراه و موجب گمراهی کسی دیگر که سنت پذیرفته شده را بمیراند و بدعت واگذارده را زنده گرداند.

گروه‌های گوناگون مردم، منافع خود را به اشکال گوناگون ارزیابی و تفسیر می‌کنند؛ ولی هیچ گروه و دسته‌ای نیست که به‌گونه‌ای نیاز به حاکم و حکومت نداشته باشد؛ لذا، حضرت می‌فرماید:

إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ. (همان: خ ۴۰)
مردم را حاکمی باید، نیکوکار یا جفاکار.

الگوگیری مردم نه تنها به دلیل ویژگی نمادین حکام، بلکه ناشی از خصلت جلب منفعت عموم آدمیان است که به دنبال آن، حرکت اجتماعی و موضع‌گیری‌هایشان را تنظیم می‌نمایند؛ بنابراین مردم به اجبار به جایی می‌روند که قدرت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری متمرکز باشد و به بیان امام: «انما الناس مع الملوک»؛ (همان: خ ۲۱۰) مردم آنجا روند که پادشاه روی آورد.»

به همین دلیل، حضرت امیر علیه السلام تأثیر شگرف تغییرهای حکومتی بر ابعاد ارزشی جامعه را گوشزد می‌نماید و می‌فرماید: «إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ»؛ (همان: ن ۳۱) چون اندیشه سلطان بازگردد (ارزش‌های اجتماعی) زمانه دگرگون می‌شود.»

سه. نظارت و مراقبت اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر موجب ترویج و استحکام ایمان و فضایل اخلاقی می‌گردد؛ اما ترک آن دو، شیوع ناهنجاری‌ها و کم‌رنگی یا نابودی ارزش‌ها و فضایل انسانی را به دنبال دارد، این فریضه می‌تواند در عداد شرایط تغییر، به حساب آید؛ زیرا چنان که گفته‌اند، شرایط تغییر، عناصر مناسب یا نامناسبی است که اثرهای عوامل تغییر را فعال‌تر، کندتر، ضعیف‌تر یا شدیدتر می‌سازد؛ بنابراین امر به معروف و نهی از منکر همین نقش را دارد و موجب شکوفایی و رونق ایمان، تقوا، اخلاص و ... می‌شود که از عوامل سنت تغییر هستند و به دنبال آن، به طور طبیعی، فعال یا شدید شدن آثار این عوامل در پرتو امر به معروف و نهی از منکر میسر می‌گردد.

با توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در اصلاح جامعه و فراگیر شدن معارف دین و آثار شگفت‌آوری که برای انجام یا ترک آن در کلمات معصومان بیان شده است،

می‌توان آن را یکی از عوامل مهم سنت تغییر دانست و از این گفتار امیرمؤمنان (علیه السلام) عامل تغییر بودن آن را استفاده کرد:

وَإِنَّ عِنْدَكُمْ الْأَمْثَالَ مِنَ بَأْسِ اللَّهِ وَقَوَارِعِهِ وَأَيَّامِهِ وَقَائِعِهِ فَلَا تَسْتَبْطِنُوا وَعَيْدَهُ
جَهْلًا بِأَخْذِهِ وَتَهَاوُنًا بِبَطْشِهِ وَيَأْسًا مِنْ بَأْسِهِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنَ الْقُرْنَ الْمَاضِي
بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لِيَتْرَكَهُمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِي عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ
الْمَعَاصِي وَالْحُلَمَاءَ لِيَتْرَكَ التَّنَاهِي. (همان: خ ۱۹۲)

از مثل‌های قرآن در باره کسانی که عذاب و کیفر شدند، و روزهای سخت آنان و آسیب‌های شدیدی که دیدند آگاه هستید؛ پس وعده عذاب خدا را دور مپندارید، و به عذر اینکه آگاهی ندارید، خود را گرفتار نسازید، و انتقام خدا را سبک، و خود را از کیفر الهی ایمن مپندارید؛ زیرا خدای سبحان، مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت؛ مگر برای ترک امر به معروف و نهی از منکر، پس خدا بی‌خردان را برای نافرمانی و خردمندان را برای ترک باز داشتن دیگران از گناه، لعنت کرد.

طبیعی است که رفتاری که آثار اجتماعی دارد، علاوه بر انجام آن، ترک آن نیز مؤثر و پیامدهای اجتماعی دارد؛ به ویژه که امر به معروف و نهی از منکر مربوط به گروهی می‌شود که از توانایی بیش‌تری نسبت به عموم مردم برخوردارند؛ یعنی علم، آگاهی و قدرت تأثیرگذاری بر دیگران را دارند؛ از این رو، حضرت مردم را با تأکید از ترک امر به معروف و نهی از منکر پرهیز می‌دهد و عواقب آن را گوشزد می‌نماید:

لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِي عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلِّي عَلَيْكُمْ أَشْرَارَكُمْ... (همان: ن ۴۷)
امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید تا بدترین شما حکمرانی‌تان را به‌دست نگیرند....

روشن است که در صورت تسلط اشرار، ارزش‌های اجتماعی هم متأثر می‌شوند، هنجارشکنی و نقض قواعد اجتماعی رواج می‌یابد، و بر اثر نبود نظارت و مراقبت اجتماعی و واکنش‌های نظارتی مناسب، در نهایت ارزش‌های اجتماعی دگرگون می‌گردند.

نتیجه

با حاکمیت قرآن کریم در جوامع اسلامی و هدایت امامان معصوم علیهم‌السلام، به‌ویژه امیرمؤمنان علیه‌السلام، جامعه اسلامی دارای نظام ارزشی، هویت و ارزش‌های اجتماعی گاه متفاوت با سایر جوامع است که نوآوری فرهنگی در آن، ویژگی‌های خاص خود را دارد.

امام علی علیه‌السلام که خود شاهد تغییر ارزش‌های جاهلی بود، برای بار دوم گواه تغییر ارزش‌های اجتماعی پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود. از این جهت موضوع ارزش‌های اجتماعی و تغییر آنها از مسائل بسیار مهم مطرح شده در کتاب شریف و بی‌نظیر نهج‌البلاغه است. در نهج‌البلاغه ضمن طرح موضوع ارزش‌ها، به چگونگی شکل گرفتن ارزش‌های اجتماعی و مراحل آن و همچنین عوامل مؤثر بر تغییر آنها اشاره شده است.

تغییر در شرایط و محیط زندگی، نخبگان و خواص، حاکمان و فرمانروایان، از عوامل مهم تغییر ارزش‌های اجتماعی در نهج‌البلاغه‌اند.

از منظر امام علیه‌السلام در خصوص ارزش‌های اجتماعی می‌توان به تأکید بر حفظ ارزش‌های اجتماعی، پرهیز از نوآوری‌های غیر عقلایی، جایز بودن تنوع ارزش‌های اجتماعی مثبت، پیشگیری از پدید آمدن ارزش‌های اجتماعی منفی، انتقال ارزش‌های اجتماعی مثبت و انتقاد از مسخ برخی ارزش‌های اجتماعی مثبت اشاره کرد. حضرت نظارت و مراقبت اجتماعی را از محوری‌ترین عوامل حفظ ارزش‌های اجتماعی می‌داند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. شریف‌رضی (گردآورنده)، ۱۳۷۴، ترجمه نهج‌البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۸.
۳. اردستانی، محمدرضا، ۱۳۷۵، «پژوهشی در ارزش‌های اجتماعی»، فصلنامه مصباح، سال پنجم، زمستان ۷۵.
۴. امام جمعه، فرهاد، ۱۳۸۲، «تحلیل جامعه‌شناختی از قرآن با تأکید بر رهیافت»، فصلنامه صحیفه مبین، اراک، سال یازدهم، بهار و تابستان ۸۲.
۵. اینگلهارت، رونالد، ۱۳۷۳، تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
۶. بابایی، عبدالله، ۱۳۷۲، ارتباط ارزش‌های انسانی، تهران، دستان.
۷. بیرو، آلن، ۱۳۶۶، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
۸. ترنر، جان‌تان‌اچ، ۱۳۷۸، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه فولادی و بختیاری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۹. جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۳، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. جمشیدی، سید محمدرضا، ۱۳۶۸، «ارزش و ارزش‌شناسی»، فرهنگ کتاب، سال چهارم و پنجم، بهار و پاییز ۶۸.
۱۱. جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۷، سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی علیه‌السلام، (مجموعه مقالات، ج ۲)، تهران، انتشارات نیروهای مسلح.
۱۲. جواهری، فاطمه، ۱۳۷۲، تغییر ارزشی و وی‌دئو، (رساله کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. چلبی، مسعود، ۱۳۷۵، جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی.
۱۴. حاجیلری، عبدالرضا، ۱۳۸۰، کنکاشی در تغییر ارزش‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.

۱۵. ذوعلم، علی، ۱۳۷۹، *انقلاب و ارزش‌ها*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۶. رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۰، *توسعه و تضاد*، تهران، انتشارات سهامی انتشار.
۱۷. روشه، گی، ۱۳۶۷، *کنش اجتماعی*، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۸. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران، کیهان.
۱۹. ستوده، هدایت‌الله، ۱۳۸۰، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، آوای نور.
۲۰. عمید، حسن، ۱۳۷۴، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.
۲۱. کوئن، بروس، ۱۳۷۴، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت، چ ۴.
۲۲. گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۳، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۲۴. محسنی، منوچهر، ۱۳۷۴، *جامعه‌شناسی عمومی*، تهران، طهوری.
۲۵. محسنیان‌راد، مهدی، ۱۳۷۵، *انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۶. محمد خلیفه، عبداللطیف، ۱۳۷۸، *بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها*، ترجمه دکتر سید حسن سیدی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۷. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۶، *توحید در نظام عقیدتی و ارزشی اسلام*، قم، شفق.
۲۸. ملوین، فلور و دیگران، ۱۳۷۰، *مبانی جامعه‌شناسی*، اقتباس حمید خضر نجات، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
۲۹. مندراس، هانری و ژرژ گورویچ، ۱۳۶۹، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، امیرکبیر.
۳۰. نیک‌گهر، عبدالحسین، ۱۳۶۹، *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران، رایزن، چ ۲.
۳۱. وثوقی، منصور و علی‌اکبر نیک‌خلق، ۱۳۷۰، *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران، بهینه، چ ۲.